

سرچشمهٔ روشنائیها

- 🕉️ ظلمت‌های متراکم
- 🕉️ درخشش خورشید
- 🕉️ بالاترین معجزه
- 🕉️ شهادت بیگانگان بعظمت پیامبر اسلام



ظلمت‌های متراکم

همه در تاریکی غرق بودند، همه آلوده و بدبخت بودند، جهان در خواب سنگین و عمیقی فرورفته بود، کسی نبود که با فریاد خود خفتگان را بیدار کرده راه و رسم زندگی را بآنها نشان بدهد اجتماع گرفتار درد بیدرمانی شده بود که اعصاب و مغز و شعور او را کار افتاده و حس خود را از دست داده بود. این بیماری جانسوز عمومی شده بود و عجیبتر اینکه از شدت درد، درد فراموش شده و کسی بدنبال درمان و چاره جوئی نبود طبیعی هم نبود که اعصاب از کار افتاده و مغز فرسوده و شعور خفته مردم را زنده و تازه کند و بآنها بفهماند شما مرخصید شما در آستان مرگ بسر میبرید

با این وضع قومیت و ملیت وهستی شما بر باد میرود، با این روش شیرازه اجتماع شما از هم می پاشد .

امواج مهیب فساد و فجور و جنایت و ستم دنیا را پر کرده بود و کشتنی نجاتی بر روی این امواج دیوانه چشم نمی خورد. سیل های بنیان کن جنگ های خونین که از امتیازات طبقاتی سر چشمه میگرفت از هر طرف هستی اجتماعات را تهدید میکرد و سدی هم در جلو این سیلها وجود نداشت همه جادر ظلمات عمیقی فرورفته بود در این دریای سیاهی فر دغی هم بنظر نمی رسید همه جا تاریک بود ولی از همه جا تاریکتر محیط عربستان بود در این محیط آلوده چه خیانتها که نمیشد و چه جنایتهای بزرگ که رخ نمیداد دزدی، آدم کشی، زنده بگور کردن دختران، خود خواهی، کینه توزی بت پرستی؛ در سیاه چال عربستان موج میرد. آتش اختلافات فامیلی و امتیازات جاهلانه هر لحظه زبانه میکشید و بر اشتعالش افزوده میشد شعله این آتش، بیچارگان، بی پناهان، بردگان، فقیرها، سیاه پوستها، عجمها، توده های زحمتکش را در کام سوزان خود فرو میبرد و خاکستر میکرد. هزاران نفر بیچاره و تهیدست قربانی هوسهای ناجوانمردانه سرشناسان و پولداران میشدند و دود این آتش سرکش احیاناً بچشم بزرگان و سران نیز می رسید همه در برابر این آتش عظیم می ایستادند و دامن میزدند جوانمردی پیدا نمیشد که بر این آتش آبی افشاند از اشتعال آن بکاهد. طبقه بانوان که پدید آورنده نسل جوان و پرورش دهنده نوابغ و شجاعان و رادمردان بودند عموماً از حیوان هم بی ارزشتر بودند. کسی برای آنها حقی قائل نبود و بزرگترین احترامی که جامعه عرب با آنها میگذاشت این بود که آنها را چون برده ای اسیر در خانه خود نگاه میداشت.

درخشش خورشید

در چنین دنیای تاریک و بویژه در محیط سیاه عربستان
در چنین دوران توحش نوری از آسمان مکه درخشید

که همه تیر گیهارا سرد و برد. در این ریگزار سوزان سرچشمه رحمتی
جو شید که همه آلود گیها را شست و پاک کرد. مردی آسمانی از طرف خدا
مأموریت یافت تا باصلاح همه جهان بر خیزد. همانطور که خورشید نور خود
را بهمه کرات این منظومه میفرستد و باطلوع خود ظلمت را از همه آفاق نابود
میسازد. این شخصیت عظیم هم همه جا را روشن کرد. خورشید هنگام طلوع
خود نخست افق شرق را روشن میکند و سپس خوب نمایان میشود و همه
دنیا را در نور و صفای خود فرو میبرد و باحرارت خود بموجودات افسرده
گرمی میدهد.

این خورشید الهی نیز نخست محیط عربستان و سپس همه عالم را
در پرتو رحمت فرو برد بستهای کهنه و دیرین و روشهای غلط اجتماعی،
امتیازات بیجا؛ جنگهای خانمانسوز، حکومتهای استبدادی، نابسامانیها
و آشفتگیها، جنایتها و خیانتها در پرتو ایمان واراده و کوشش خاتمه داد
قانونی عادلانه و همه طرفه و حکومتی ضعیف نواز و ظالم گداز، حقوقی
زنده و جاودانی و سعادت پی پایدار و استوار برای همه شهرها و نسلها و قریبها
آورد. بایک نسخه جاودانی و جامع همه بیچار گیها و بیمار یهای روحی،
اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی بشر را درمان کرد و این نسخه شفا بخش
تادامنه رستاخیز درمان همه دردهای بشر خواهد بود.

این شخصیت بیمانند، این سرچشمه رحمت، این آفتاب پرتو-
افشان و حرارت زا وجود نازنین محمد امین بود که دنیا در برابر عظمت
او خیره شده و دانشمندان از دوست و دشمن در مقابل او سر تعظیم فرود

آورده اند .

بالاترین معجزه | مکتبهای اجتماعی بسیار بوده است جهان حکومتهای

بسیاری را با شیوه‌های مختلف یاد دارد دانشمندان در راه پیشبرد تمدن با هم همفکرینها کرده قوانینی را طرح کرده اند اما وقتی تعجب شما بنهایت میرسد که باین نکته توجه کنید که طرز حکومتها و اساس مکتبها و همچنین طرح قانونها در طی سالیان دراز بازحمت فراوان عده‌ای دانشمند تجربه کرده در پرتو بررسیها و کار آزمود گیها و همفکرینهای بسیار پیدا شده است .

تازه با اینهمه دقت انواع حکومتها آلوده به او هوس ها و بی تعادلیها و فسادها بوده است . مکتبهای اجتماعی و اقتصادی نواقص بسیاری داشته است که نوعاً بعد ها کشف شده است و نیز قوانین موضوعه نتوانسته است تمام اجتیاجات و امیال و شوون زندگی همه افراد را در نظر بگیرد و از نقص و عیب خالی باشد .

ولی وقتی باین شخصیت خارق العاده میرسیم می بینیم حکومتش عادلانه ترین حکومتهای جهانی بوده و شایستگی اداره همه عملتها را در همه قرنها دارد . کتاب قانونش یعنی قرآن چنان محکم و استوار است که بهتر و بالاتر از آن تصور نمیشود و برای اصلاح جهان تا ابد کافی است . دینش کاملترین ادیان بوده و کاملتر از خودی نخواهد داشت . مکتب اجتماعی و اقتصادی که از وحی الهی سرچشمه گرفته است صحیحترین و جاودانی ترین مکتبهای جهانی است . تازه این شخص بزرگ همه این کارهای بزرگ را یکتنه در مدتی کوتاه انجام داده است و وقتی تعجب ما از بی نهایت هم بی نهایت تر میشود که بفهمیم این مرد در هیچ مکتبی درس

نخوانده و پیش هیچ استادی زانو نزده است .

شگفتا! يك جوان درس نخوانده چه انقلابی در جهان پدید آورد و چه نهضتی در اجتماع کثیف و متوحش آن روز بر پا کرد ؟

يك مرد ؛ تنها، چه دانشگاه بزرگی تأسیس کرد که سیل علم و دانش آن بهمه اطراف دنیا رسید و چشمها را خیره و دلها را متحیر ساخت با قرار دانشمندان: دانشمندان بزرگ عالم فارغ التحصیلهای دانشگاه های بزرگ. عجب! محمد یتیمی که در رشته اقتصادی و مملکت داری با کسی تماس نگرفته است يك جامعه ساقط و منحط را با دست تنها چنان عوض کرد که عالیترین جامعه های بشری شناخته شد.

شما آن محیط آلوده را در نظر بگیرید، بی کسی این بزرگ مرد را نیز از یاد نبرید، درس نخواندگی از راه هم فراموش نکنید مدت اندک یعنی ظرف بیست و سه سال رسالت او را هم در نظر داشته باشید و پس از این چهار چیز اصلاح و خیر و رحمتی که از او سرزده است و تحول و انقلاب و نتیجه عالی آن را هم در نظر بگیرید آنگاه ببینید تعجب شما بی نهایت نمیشود ؟!

راستی این بزرگترین معجزه و بالاترین دلیل بر حقانیت او نیست ؟! اینجاست که هر با وجدانی ناچار است سر تسلیم فرود آورده اقرار کند محمد مردی آسمانی و پیامبری الهی است .

با چنین حسن و ملاحات اگر اینان بشرند

ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

شهادت بیگانگان بعظمت پیامبر اسلام

ممکن است کسی چنین فکر کند که شما امت محمدید و شیفته و

شیدای او هستم و چشم دوست در سیمای محبوب جز جمال زیبا و صفات عالی و هنرهای پسندیده نمی بیند. بلکه گاهی در عالم خیال خود هنر هائی بزرگ و عظمت هائی شگرف می تراشد و بمحبوب و پیشوای خود می بندد.

باید باین چنین کسی گفت شما قدری بخود زحمت بدهید و گفتار بیگانگان را در باره پیامبر اسلام بخوانید تا بیش از آنچه ما نوشتیم بعظمت و جلال پیامبر خاتم بر خورده کنید. کتابهای مستقلی که شامل نظرات دانشمندان جهان و گفتار مشاهیر عالم در باره محمد و در باره قرآن اوست بچاپ رسیده است بروید و بخوانید و حقیقت امر را درک کنید ما برای نمونه گفتار چند تن از دانشمندان غیر مسلمان را نقل می کنیم تا ببینید چگونه مجذوب این شخصیت بزرگ شده اند .

«جان دیون پورت» دانشمند گرانمایه انگلیسی میگوید :

«محمد یکنفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه خودش را مبدل بیک جامعه فشرده و مطبوعی نمود و در میان ملت های روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد در کمتر از سی سال ، این طرز و این روش ، امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد و سلاطین ایران را از بین برد سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد» (۱)

بعداز این جملاتی در باره عظمت دین محمد (ص) دارد که خلاصه.

اش چنین میشود : همین محمد ، همین عرب ساده باشور و حرارت و نبوغ دینی را تأسیس کرد که سایر ادیان مشهور آن روز را تحت الشعاع قرار داد .

بازدانشمند نامبرده در مقدمه کتابش از پیامبر اسلام چنین توصیف میکند: «... اگر از تمجید و تکریم چنان مرد بزرگ و فوق العاده‌ای خود داری کنیم بی‌شرمی و بی‌انصافی است و باز اگر ظهور او را تصادفی کور کورانه بدانیم مثل این است که درباره قدرت قاهر و نافذ خدای متعال، شك کرده ایم» (۱)

«توماس کارلایل» دانشمند بزرگوار دیگر این مرد ملکوتی را چنین می‌ستاید:

« این فرزند صحرا با قلبی عمیق و چشمانی سیاه و نافذ و باروح اجتماعی وسیع و پردامنه‌ای همه نوع افکاری را با خود همراه داشت غیر از جاه‌طلبی او فقط با روح خودش و حقیقت اشیاء سروکار داشت. رمز بزرگ هستی با عمده هشت و حیروت. و با عمه جلال و شکوه، در نظر او روشن و آشکار می‌درخشید ...

آنچه را در این زمینه صداقت و واقعیت نامیدیم در حقیقت امریست ملکوتی و جنبه ایست الهی. *پرتال جامع علوم انسانی*

کلام چنان مردی صدائی است مستقیم از قلب طبیعت! مردم باید بآن گوش دهند و اگر بچنان کلامی گوش ندهند بهیچ صدائی نباید اعتنا کنند؛ زیرا همه چیز در برابر آن مانند باد است» (۲)

«دکتر شبلی شمیل» که از دانشمندان مادی‌است در پایان نامه‌ای

(۱) از مقدمه کتاب عنذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن

(۲) نقل از تحقیقات کارلایل جلد ۶ ص ۲۲۵

که برای نویسنده کتاب «الوحي المحمدي» نوشته است محمد (ص) و قرآن را در طی اشعاری آبدار چنین ستوده است :

«این راستست که من بدین محمد در نیامده ام ولی آیا میتوان
بآن آیات استوار و درخشان ،

بآن پندهای گرانمایه و حکمت های هوس شکن که در قالب الفاظی
برجسته و جذاب ریخته شده ، بآن قوانین و سنتهای جامعی که اگر ملتها
بدان پی برده بودند دیگر آبادی و عمران را وابسته بعبادت و احکام
خویش نمیدانستند ،

ایمان نیاورد و کافر شد ؟ ! . . .

محمد بهترین کردان و حکیم و دانشمند است او خداوند گارسخن
و پروردگار فصاحت و بلاغت است محمد مرد عقل و کفایت و مرد کیاست
و سیاست است. او کسی است که در جنگها هم آغوش با پیروزی و موفقیت است
با نیروی بلاغت قرآن اندیشهها و خرد هارا بتصرف در آورد و
عادلانه بقدرت شمشیر مغزهای متعصب و حق ناپذیر را تسلیم کرد .

قهرمانان نامدار در هر فن و هر عصر و هر ملتی همه زیر دست او
بوده و اوسر آمدعه است» (۱)

هل اكفرن بمحکم التآيات	(۱) انى وان الك قد كفرت بدینه
حكيم روادع للمهوى و عظام	او ما حوت فى ناصع الالفاظ من
ما قیدوا العمران بالعبادات	و شرايع لوانهم عقلوا بها
رب الفصاحة مصطفی الكلمات	نعم المدبر و الحكيم و انه
بطل حليف النصر فى الغارات	رجل الحجار جل السياسة والدها
و بسيفه انحنى على الهامات	ببلاغة القرآن قد غلب النهى . .
من سابق او حاضر او آت	من دونه الابطال فى كل الورى

صاحب کتاب (دائرة المعارف فی القرن العشرين) میگوید: «پيامبر اسلام، با دست تنها، در مدتی کوتاه، چهار کار بزرگ را انجام داد که اگر يك دسته از دانشمندان و روشنفکران بلند همت می خواستند یکی از این کارها را انجام بدهند سیصد تا چهارصد سال وقت لازم داشت تا موفق شوند: ۱- تأسیس دین جدیدی کرد که همه دلها را مطیع آن کرد و مردمان متعصب و جاهل و بت پرست را که سالها با عقائد خرافی خو گرفته بودند و بهیچ وجه حاضر نبودند دست از عقیده دیرین خود بر دارند با اختیار تسلیم آن دین نمود .

۲- از قبیله های مختلف و کینه توز که سوابق پدر کشتگیها باهم داشته و جنگهای دامنه دار و صلح ناپذیری در میان آنها بود ایجاد ملتی واحد کرد که اخوت و مساوات و حریت و وحدت کلمه بمعنی واقعی خود در میان آنها حکمفرما بود.

۳- در میان همین قبائل خودسر و بی بند و بار حکومتی تأسیس کرد که در نهایت نفوذ و اقتدار بود و بر اساس صحیح آزادی و عدالت قرار داشت ۴- در مدت ۲۳ سال یکمنه قانونی آورد که حقوق همه طبقات از مرد؛ زن؛ بزرگ؛ کوچک؛ زمامدار؛ رعیت، عالم؛ جاهل و و عا دلانه و بطور کامل در آن رعایت شده است و تا امروز قانونی جامعتر و کاملتر از آن نیامده است» .
 ناتمام

مردمان دل زنده و با نشاط هر سختی و دشواری را از پیش رانده
 و يك تنه گره گشای هر مشکلند .

(اخلاق روحی)